



Think Tank of London for the Green Movements

ثقافة وفكر لندن

ویژه نامه

Think Tank of London for the Green Movements





دفتر مطالعات تاریخ انقلاب اسلامی
Email: markazmotalettarikh@yahoo.com



مقام معظم رهبری (۳/۱۲/۸۸):

دشمن [همیشه] در کمین است.

آفات انقلاب از دیدگاه همیشه و هرگز مطهری



خود را طی می کند، سنگینی بارش بردوش افراد مؤمن و مخلص قرار دارد ولی همین که به بار نشست سرو کله افراد فرصت طلب برای چیدن ثمره های آن پیدا می شود. میدان دادن به این گونه افراد، خطری است که دوام انقلاب را مورد تهدید قرار می دهد.

۵- تغییر دیدگاه که به معنی از دست دادن عدالت و اخلاص در مرحله تقسیم غنائم و دستاوردهای انقلاب است. تغییر دیدگاه به معنی امتناع عمدی در تحقق

هدفهائی است که وعده آن در آغاز انقلاب به مردم داده شده بود. اگر چه شهید مطهری کتاب «نهضتهای اسلامی در صدساله اخیر» را سالها قبل از شکل گیری انقلاب اسلامی به رشته تحریر در آورده ولی دیدگاه وی راجع به آفات انقلاب، هم اکنون نیز مصداق دارد. یعنی الان نیز پدیده های چون نفوذ اندیشه های بیگانه، تجدیدگرایی افراطی، ناتمام گذارن انقلاب، رخنه فرصت طلبان و تغییر دیدگاه متولیان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی نسبت به انتظارات معقول و منطقی مردم، آفاتی هستند که می تواند نهضت و نظام را از درون تهدید نماید.

آفتهائی که انقلابها و نهضتهای اسلامی را همواره تهدید می کنند، عبارتند از:

- ۱- نفوذ اندیشه های بیگانه
- ۲- تجدیدگرایی افراطی
- ۳- ناتمام گذاشتن انقلاب
- ۴- رخنه فرصت طلبان
- ۵- تغییر دیدگاه

شهید مرتضی مطهری در کتاب «نهضتهای اسلامی در صد ساله اخیر» می نویسد: هر انقلابی در صورت بی توجهی به آن، ممکن است دچار آفت زدگی شود. به گفته وی **آفتهائی که انقلابها و نهضتهای اسلامی را همواره تهدید می کنند، عبارتند از:**

۱- نفوذ اندیشه های بیگانه برای مخدوش ساختن چهره انقلاب که ممکن است از طریق دشمنان و یا دوستان ناآگاه، صورت گیرد. این نفوذ خطری است که کیان انقلاب و اسلام را تهدید می کند.

۲- تجدیدگرایی افراطی که عبارت است از آراستن اسلام به آنچه از اسلام نیست و پیراستن آن از آنچه از اسلام است با هدف رنگ زمان زدن و به روز کردن. این آفت بزرگی است که انقلاب را تهدید می کند.

۳- ناتمام گذاشتن انقلاب به معنای بی توجهی به ضرورت پی گیری اهداف اولیه انقلاب اسلامی. به قول شهید مطهری در هر نهضت، مرحله سازندگی و اثبات به مراتب از مرحله پیش از آن که مرحله نفی و انکار است، دشوارتر می باشد.

۴- رخنه فرصت طلبان. هر انقلاب مادام که مراحل دشوار اولیه

برای آمریکا جای خالی نداریم!

گزیده ای از سخنان شهید مظلوم آیت... دکتر بهشتی



● شهید بهشتی در یکی از سخنرانیهایش تحت عنوان «انقلاب اسلامی در مقابل کفر و مستکبرین» که در کانون مالک اشتر، مورخ ۵۹/۷/۲۸ ایراد شد، خاطره‌ای را این چنین بیان کردند:

بزرگداشت جمعی از شهدا بود، با وجود کارهای بسیار زیاد، تمام کارهایم را رها کردم و در جمع خانواده شهدا در بهشت زهرا، حاضر شدم. مادر یکی از شهدا، زنی حدود ۶۰ یا ۶۵ ساله بود، این مادر چند کلمه برای خانواده‌ها و تشییع کنندگان صحبت کرد. قبل از این که

صحبت کند من به مزار مرحوم آیه الله طالقانی و مزار شهدا رفتم و فاتحه‌ای خواندم، بعد که آمدم به آن مادر تبریک و تسلیت گفتم. او گفت به غیر از این پسر که شهید شده، من پنج پسر دیگر و یک داماد دارم که الان در جبهه است؛ من به امام و امت اسلامی می‌گویم که این پنج پسر را هم تقدیم می‌کنم. او مردانه و با ایمان و چنان شجاع و پر شور بود که به همه مادران و پدران که آنجا بودند نیرو می‌بخشید. در این هنگام من با خود گفتم به آمریکا بگویید چشم طمعت را از جمهوری اسلامی ایران بکن! جامعه‌ای که چنین مادران و فرزندان پرورده است، برای آمریکا جای خالی ندارد!

● «انسان با عمل صالح شناخته می‌شود و ایمان با عمل صالح محکمتر می‌گردد. امید و رشد و زندگی موهون خلاقیت و ابتکار است که با عشق به اسلام و خدا نمایان می‌شود. تا زمانی که ما و شما

زنده هستیم هرگز روزی را شاهد نخواهیم بود که که رژیم غیر از جمهوری اسلامی در این سرزمین باشد. چون تحقیقا قبل از آن زمان به سعادت و شهادت رسیده ایم و امید است با خون خود نظام جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر آبیاری کنیم. ایه اسست باوران بیاورانیم که در سرزمین ما آنچه وجود دارد از آن اسلام و قرآن است و تا آنجا که امکان داشته باشد مشکلات و خطرات را نادیده نخواهیم گرفت و انشاءالله چشمهایمان باز است و این یک جهاد در راه اسلام و قرآن و انقلاب می‌باشد و در پیرامون این راه ذره‌ای

تردید و تزلزل وجود ندارد.»

*(۱۱۸/۱۳۶۰) سخنرانی‌ها و

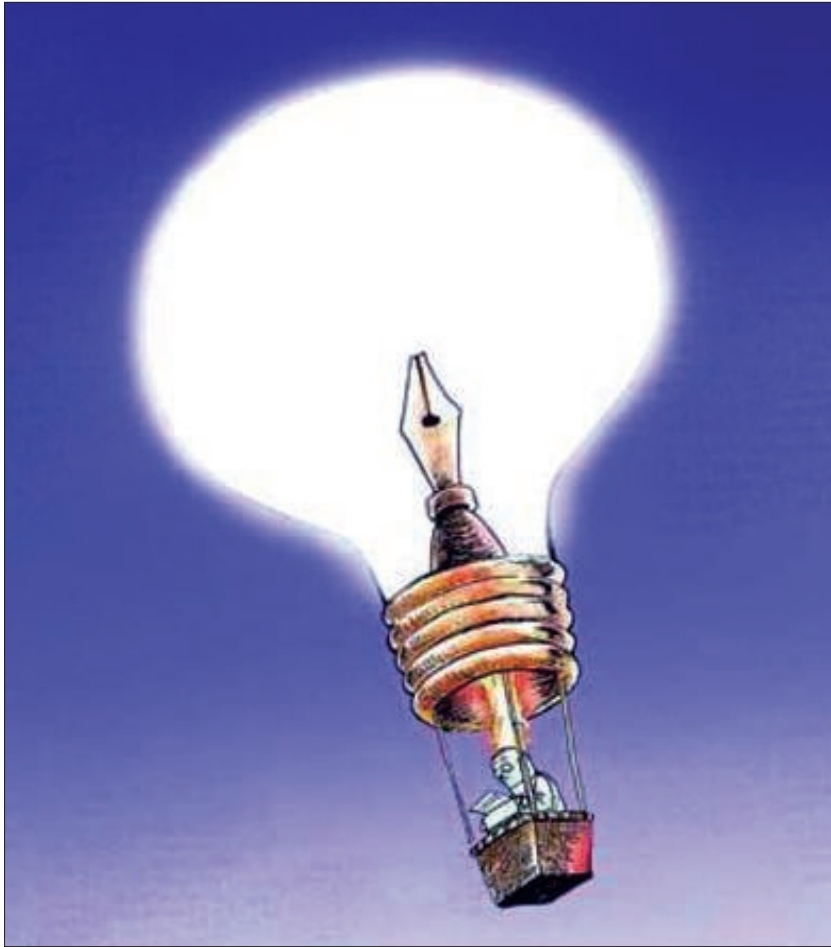
مصاحبه‌های آیت الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی: سرآیندی، ج ۳ ص ۵۹.

● ای عزیزان اسلام و امت اسلام آگاه باشید بسیاری از ما و از جمله خود من بهترین سالهای زندگیمان را بیش از هر کسی صرف شما کردیم الان هم بیش از هر چیز دوست داریم در جمع شما باشیم و با شما به سخن بنشینیم.**

● عزیزان بدانید قلب ما، دل ما و سراسر وجود ما، مالمال از عشق و علاقه به هدایت نسل جوان در خط اصیل اسلام است.**

● تنها بازی خورده‌های دشمن نیرنگ باز هستند که می‌خواهند شما عزیزان را از سیل خروشان ملت قهرمان جدا کنند و بار دیگر نغمه شوم جدایی جوان از جامعه و تحصیل کرده‌ها را از روحانیت سر دهند.**
** نقش انبیا و پیامبران در هدایت و عدالت، شهید بهشتی ص ۸۱- ۱۴۵ و ۱۵۷.





طراحان و هدایت گران سناریوی براندازی، در جست و جوی راهکارهایی برای تسریع روند عملیات استحال و دستیابی به اهداف آینده خود، نیازمند افراد و جریان های جدیدی هستند. جریان هایی که در نقش استراتژیست و کاتالیزور (شتاب دهنده) ظاهر شده و با رفتارهای اجتماعی و سیاسی گمراه کننده، با پیچیده ساختن عملیات، فرآیند تغییر حاکمیت از درون را عینیت بخشند.

بروز آسیب های سیاسی، فرهنگی و اعتقادی در نزد برخی طیف های درون نظام، که ریشه در رسوبات اومانیستی و التقاط در مبانی نظری آنان و تحمیل اراده عناصر نفوذی دارد، بستر مناسبی را برای یارگیری دشمن از درون ساختار تشکیلاتی آنها فراهم می کند.

با رحلت حضرت امام خمینی (ره) ظهور و بروز این آسیب ها بیش از پیش نمایان شد. مخالفت با حکم سلمان رشدی، طرح موضوع مذاکره مستقیم با امریکا با انتشار مقاله عطاءاله مهاجرانی در روزنامه اطلاعات، تغییر محیط فرهنگی جامعه و حاکم ساختن تساهل و تسامح در بخشی از ارکان فرهنگی کشور، اشاعه آرای دین ستیزانه کارل پوپر و اقبال برخی از طیف های درون نظام به این تفکرات و ... از جمله آسیب هایی است که در طی آن سال ها بروز یافت. رفتارهای منافقانه، تئوریزه کردن گفتمانی بر پایه نئولیبرالیسم، تلاش برای تغییر محیط سیاسی و تخریب انسجام اجتماعی و وحدت ملی، دشمن را به پیروزی در عملیات سرپل گیری از درون حاکمیت امیدوارتر ساخت. اقدام برای حضور در دومین مجلس خبرگان رهبری و پی گرفتن اهداف جناحی کینه توزانه، تلاش برای عدم برگزاری انتخابات خبرگان - با وجود فراخوان آحاد مردم برای عدم شرکت در انتخابات مذکور در اجرای سناریوی موصوف ناکام ماندند - کناره گیری از مدیریت های سیاسی، اقتصادی، خروج خفیف از حاکمیت و خدشه دار نمودن حاکمیت دینی، مخالفت با سیاست های کلان و تبیین شده نظام و ... ناظر بر تلاش تجدیدنظرطلبان برای تغییر محیط سیاسی و تخریب انسجام اجتماعی و وحدت ملی است.

تجدیدنظرطلبان حلقه کیان با گسترش و ترویج مفاهیمی همچون پلورالیسم دینی، کثرت گرایی فرهنگی، سکولاریسم، تساهل و تسامح، ذهنیت و باور خود را علنی و کمک های فکری و استراتژیکی بسیاری را به جریان حاکم بر کشور در دوران هشت سال اصلاحات ارائه نمودند.

انتشار ماهنامه کیان نقطه عطفی در سامان یابی جریان بود که خود را به دروغ، روشنفکری دینی می خواند. این محفل موجب انسجام و نزدیکی هر چه بیشتر سیاسی و تئوریک طیف هایی شد که تا پیش از این تحت تأثیر افکار سرش قرار گرفته بودند.

گروه های تشکیل دهنده حلقه ۱۰۷ نفره موسوم به کیان عبارتند از: طیف کیهان فرهنگی (شمس الواعظین، هادی خانیکی، رخ صفت، رضا کفاش تهرانی، شامخی)، سازمان مجاهدین انقلاب (مصطفی تاج زاده، محسن آرمن، فیض اله عرب سرخی، هاشم آغاجری)، مرکز مطالعات استراتژیک و تحریریه روزنامه سلام (عباس عبدی، علیرضا علوی تبار، سعید حجاریان)، طیف موسوم به فرهیختگان و روشنفکران به اصطلاح دینی (جلسه ای که توسط سرش در منزل حمیدرضا جلائی پور برگزار می شد)، نهضت غیرقانونی آزادی و ملی مذهبی ها (محسن سازگارا، مقصود فراسنخواه، علیرضا رجایی، غلام عباس توسلی و...)، عناصر وابسته به باند مهدی هاشمی معدوم و جریان منتظری (عمادالدین باقی، فاضل میبیدی، اکبر گنجی و...)، طیف لائیک (شهلا شرکت و...) و تعدادی دیگر از عناصر اطلاعاتی و امنیتی.

فرآیند مذکور که از سال ۱۳۶۸ ه. ش. با خروج تدریجی

کیان را در سال ۱۳۷۰ منتشر می سازند. اینان در ابتدا قصد داشتند نام «نمون» را برای نشریه خود برگزینند، ولی از آنجایی که بنیاد کیان امریکا درصدد انتشار نشریه ای در داخل کشور بود، این طیف از طریق محبوب (عضو شورای بنیاد کیان امریکا) نمایندگی این بنیاد را می پذیرند. دست اندران ماهنامه کیان با عناصری همچون بیژن حکمت (ضد انقلاب فراری از کشور)، رامین جهانبگلو، داربوش شایگان (از همکاران ساواک و از عناصر دفتر رضا پهلوی)، میرزا آقا عسگر (معروف به مانی و از عناصر وابسته به سازمان چریک های فدایی خلق) و ... مرتبط می گردند.

در سال ۱۳۶۸ ه. ش. پس از معرفی سید محمد اصغری بعنوان نماینده رهبر معظم انقلاب اسلامی و سرپرست مؤسسه کیهان افرادی چون ماشاءاله شمس الواعظین، رضا کفاش تهرانی، رخ صفت، هادی خانیکی، محسن امین زاده و محمد عطریانفر که تا پیش از این کیهان فرهنگی را تحت تأثیر آراء و اندیشه های سرش منتشر می کردند، از کیهان خارج می شوند. عطریانفر به مؤسسه همشهری می رود و رضا تهرانی، شمس الواعظین و احمد شامخی - برادر محمود شامخی (داماد عزت اله سبحانی) - ماهنامه



خبرها و نظرها

PARS TV
818-881-2929

twitter

شبکه خبری فارسی
صدای آمریکا
www.voapnn.com

4 NEWS

صدای آمریکا
www.voapnn.com

The bottom section of the collage features a grid of smaller images and logos. On the left, there are logos for '4 NEWS' and 'خبرها و نظرها'. In the center, there are several small video thumbnails showing news anchors. On the right, there are logos for 'PARS TV' (with phone number 818-881-2929), 'twitter', and 'www.voapnn.com' (with the text 'شبکه خبری فارسی' and 'صدای آمریکا'). At the bottom right, there are more portraits of individuals, including a man in a white turban and glasses, and a woman in a black hijab and glasses.

و نیمه علنی از مدار آرمان ها و اندیشه های امام خمینی (ره) و دست کشیدن از اصول و مبانی انقلاب اسلامی آغاز شده بود، با تشکیل محفلی موسوم به حلقه کبان در سال ۱۳۷۴ به نقطه تکوین خود رسید. پیوند با بنیادهایی همچون کبان و سازمان سبیرا و ارتباط با هسته های مطالعاتی اپوزیسیون خارج از کشور از یک سو و گرایش به سمت نهضت آزادی و گروه های ملی

گرا از سوی دیگر این محفل را به حلقه میانجی و جریان کاتالیزور تبدیل کرد. تجدیدنظرطلبان حلقه کبان با گسترش و ترویج مفاهیمی همچون پلورالیسم دینی، کثرت گرایی فرهنگی، سکولاریسم، تساهل و تسامح، ذهنیت و باور خود را علنی و کمک های فکری و استراتژیکی بسیاری را به جریان حاکم بر کشور در دوران هشت سال اصلاحات ارائه نمودند.

با نشان داده شدن چهره و اهداف واقعی جریان مذکور از تشکیل و حضور در چنین محافل، استارت رویگردانی امت حزب الله از دگراندیشان با انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی زده شد و تجدیدنظرطلبان یکی پس از دیگری پایگاه اجتماعی خود را از دست داده که با روی کار آمدن اصولگرایان و معتقدان به گفتمان امام و رهبری در انتخابات نهم ریاست جمهوری در سوم تیرماه ۱۳۸۴ به نقطه اوج خود رسید.

پس از اقدامات و دستاوردهای مثبت و رو به جلوی دولت نهم در چهار سال اول ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد، دشمنان انقلاب اسلامی که به تعبیر مقام معظم رهبری هیچ گاه دست از توطئه بر نمی دارند، در برنامه ریزی وسیع و همه جانبه ای در جریان انتخابات دهم ریاست جمهوری در ۲۲ خرداد ۸۸ و حوادث پس از آن، فتنه ای عمیق را ایجاد نمودند و این بار کسانی در مقام

مقابله با ولایت فقیه بعنوان عمود خیمه انقلاب برآمدند، که با ملتزم دانستن خود به این اصل مترقی قانون اساسی جمهوری اسلامی (البته در ظاهر) نامزد این انتخابات شده بودند و حتی خود را نخست وزیر امام و یا پیرو خط امام معرفی می کردند.

اینان و به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی؛ جریان فتنه، با عدم پیگیری اعتراضات خود از طرق قانونی، اردو کشی های خیابانی براه انداخته و بیش از یک هفته و تا ماهها پس از آن، در مناسبت های مختلف، کشور را دچار التهاب و تشنج نمودند.

فتنه گران بدلیل عدم مرزبندی خود با عناصر و گروهک های ضدانقلاب، نسبت به بسیاری از بیانیه های حمایتی خارج نشینان فراری، واکنش نشان نداده و اعلام بیسزاری و برائت ننمودند.

لذا افراد با تفکرات مختلف و حتی در تضاد با هم، پس از حادثه سهمگین عاشورای ۸۸ و اهانت مزدوران به حرمت عزای این روز،

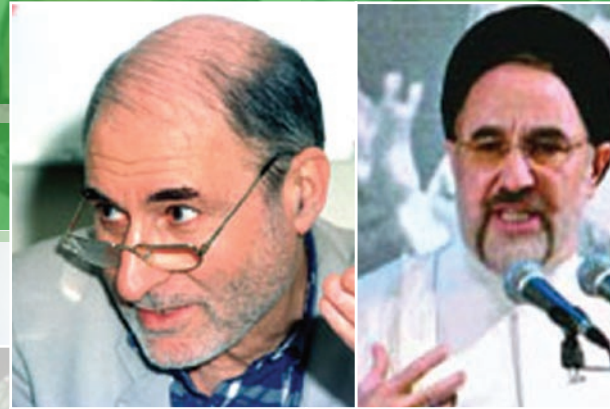
جریانی متشکل از لیبرال ها، سوسیالیست ها، سکولارها، پلورالیست ها، سلطنت طلب ها، ملحدین و مرتدین و ... را بر طبق الگوی بازسازی شده حلقه کبان حول محور براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی و سقوط انقلاب اسلامی و در رأس آن اساسی ولایت فقیه، بوجود آورده و خود را اتاق فکر جنبش سبز یا همان جریان فتنه معرفی کردند.

حلقه پنج نفره اتاق فکر جنبش سبز، لندن نشینانی جز اکبر گنجی، عطاءاله مهاجرانی، عبدالکریم سروش، عبدالعلی بازرگان و محسن کدیور نمی باشند.

عبدالکریم سروش و اکبر گنجی از مدعیان بشری بودن قرآن کریم و هم چنین از منکران وجود حضرت مهدی (عج)، عبدالعلی بازرگان دارای گرایش های شبه وهابی، وابستگی به نهضت آزادی و حاوی خدشه در اندیشه های شیعی و به ویژه وجود امام زمان (عج)، محسن کدیور دارای نظریه خدشه در عصمت ائمه اطهار(ع) و عطاءاله مهاجرانی از اهانت کنندگان به روحانیت و از پیشکسوتان طرح مذاکره مستقیم با آمریکا هستند.

اینان در تاریخ سیزدهم دی ماه ۱۳۸۸ با صدور بیانیه و درخواست های دهگانه ای اعلام موجودیت کردند.

در این نوشتار، ابتدا بیانیه فوق الذکر را از نظر می گذرانیم و سپس به بیوگرافی و بررسی عملکرد و فعالیت های اعضای اتاق فکر جریان فتنه می پردازیم.



بيانیه اتفاق فكري جنبش سبز



تنها ضامن بقای شان اسلحه، شکنجه و ارباب مردم است. تخصص آن ها خشونت است و خشونت را به مهمترین ابزار نزاع های سیاسی تبدیل کرده اند.

خشم و خشونتی که امروز شاهد آنیم، اگر به زبان اصلی سیاست در ایران تبدیل شود، عقلانیت و دموکراسی و تحقق آزادی های مدنی و سیاسی را به حاشیه خواهد راند. زمامداران خودکامه البته کوشش می کنند خشونت را به تظاهرات مسالمت آمیز و پر شکوه میلیون ها ایرانی آزادی خواه تزریق کنند تا چهره دموکراتیک جنبش مخدوش شود، ولی ملت نباید فریب خورده و وارد بازی سازمان های نظامی - امنیتی شود.

جنبش سبز ایران در لحظه ی حساس کنونی به طرح مطالبات مشخص و مقدور، طولانی کردن فرآیند اعتراض و جلب مشارکت گسترده اقدار متنوع جامعه در تعیین سرنوشت خود نیاز دارد.

این جنبش به عنوان جریانی که نگران آینده ی کشور و سرنوشت آن است، باید برتری اخلاقی خود را بر زورگویان و شکنجه گران، همان طور که تاکنون نشان داده، ادامه دهد. در این شرایط وظیفه ی مردم آگاه، جوانان فداکار و نیروهای سیاسی، ترسیم مسیر آینده ی جنبش و تدوین خواست های مشخص سیاسی است تا مدارا و مسالمت را جایگزین خشونت تحمیل شده از سوی سرکوبگران کند.

هموطنان گرامی،

جنبش سبز ایران مدافع تمامیت ارضی ایران، مخالف حمله ی نظامی به کشور، مخالف دخالت بیگانگان در تعیین سرنوشت مردم ایران و نگران تحریم های اقتصادی زیانمند به حال ملت ایران است. این جنبش، مسالمت آمیز و ضدخشونت است. **نزاع جنبش با اقتدارگرایان، نزاع بر سر رعایت حقوق بشر و گردن نهادن به خواست های دموکراتیک مردم، تحقق جامعه مدنی، مدارای دینی، به رسمیت شناختن تکثر و تنوع در فضای سیاسی کشور و بالاخره نفی ولایت جائر است.**

ما به عنوان بخش کوچکی از جنبش سبز سراسری مردم ایران بر این باوریم که در مرحله ی کنونی مهمترین مطالبات جنبش را می توان به قرار زیر اعلام و بر مبنای آن تحرک آینده ی جنبش و مناسبات آن با حاکمیت را تنظیم کرد. **بخشی از این خواسته ها را آقای میر حسین موسوی در بیانیه هفدهم خود آورده است که با توجه به تنگناهای سیاسی داخل کشور جنبه حداقلی دارد. ما ضمن حمایت کامل از مواضع رهبران جنبش در داخل کشور (موسوی، کروبی و خاتمی)**



را تسریع کنند تا هم نیروهای مردم درون حاکمیت را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند، هم نیروی عظیم مردمی و خواستاران دموکراسی و حقوق مدنی و سیاسی را به شورشیانی خشونت ورز تقلیل دهند. عملکرد این رژیم، اقدار بسیار متنوعی از جوانان، زنان، گروه های قومی و مذهبی،

استبداد دینی که مشروعیت خود را با خشونت و کشتار مردم در روز عاشورا پاک از دست داده بود، از ترفندی نخ نما شده برای تحریک احساسات دینی مردم استفاده کرد و به کمک صدا و سیما دولتی و بسیج همه نیروهای تحت فرمان کوشید صحنه قیام را وارونه کرده جنبش سبز را متهم به توهین به مقدسات و انکار اعتقادات دینی نماید!

روشنفکران، روحانیون، دانشگاہیان، کارگران و فعالان سیاسی را به شدت آزرده کرده است. **گفتمان توطئه دشمن که ولی جائر در طول ۲۰ سال گذشته ترویج و از طریق آن دشمن سازی و ایجاد تفرقه میان ملت می کند (مثل: مطبوعات پایگاه دشمن اند، روشنفکران مزدوران دشمن اند، جنبش سبز توطئه رنگی دشمنان برای براندازی است)، بخش عظیمی از ملت را به جبهه ی دشمن تبدیل کرده که سازمان های سرکوب باید تکلیف آنان را یکسره کنند.**

کینه و نفرتی که در سی سال گذشته در سطوح مختلف جامعه انباشته شده، بسیار عمیق و ریشه دار است. این ناراضی زرف توان تخریبی عظیمی دارد که در صورت فوران، موج گسترده ای از خشونت را در سطوح مختلف جامعه ایران دامن خواهد زد. افراتیون حاکم بر دستگاه های سرکوب، تعلق خاطری به ایران ندارند و نگران ریخته شدن خون هزاران ایرانی هم نیستند. آن ها به اقلیت بسیار محدودی از جامعه ی ایران اتکا دارند و

متن بیانیه عبدالعلی بازرگان، عبدالکریم سروش، محسن کدیور، اکبر گنجی و عطاء الله مهاجرانی پیرامون خواسته حداقلی جنبش سبز، به شرح زیر است:

"شش ماه پیش میلیون ها نفر از مردم ایران به خیابان ها آمدند تا حق پایمال شده خود در انتخابات خیانت آلود را مطالبه کنند و به تحقیر و توهین مستمر ملت توسط حکومت اعتراض نمایند. دستگاه های امنیتی و نظامی به این مطالبات آرام و مسالمت آمیز، با خشونت و قساوت پاسخ دادند و کوشیدند از حضور مردم در فضای عمومی جلوگیری کنند و جنبش سبز را مرتبط با کشورهای بیگانه و سیاست دولت های غربی معرفی کنند.

تمامیت طلبان تصور می کردند با سرکوب خونین این قیام قانونی، می توان حرکت اعتراضی مردم را همچون گذشته متوقف کرد، اما به رغم همه محاسبات، آتش آگاهی افروخته تر و آهنگ اصلاحات رساتر شد و جنبش را روز به روز بالنده تر و بارورتر ساخت.

درگذشت فقیه عالیقدر آیت الله منتظری که در پنج دهه گذشته، به خصوص شش ماهه اخیر از حقوق اساسی ملت دفاعی جانانه کرده بود و اینک در حساس ترین شرایط آنان را ترک می کرد، چون رهبر معنوی جنبش درخشید و جان تازه ای به جنبش بخشید و ظلم هایی که بر او رفته بود زبانه های خشم ملت را در آستانه ماه محرم، ماه حق طلبی و قیام علیه استبداد و ستم بلندتر کرد. اعتراضات مردم، طبق سنت طولانی تاریخ در فرهنگ تشیع، در روز عاشورا به اوج خود رسید و ملت آگاه با درس گرفتن از پیام حسینی ظلم زمانه را نشانه گرفت.

استبداد دینی که مشروعیت خود را با خشونت و کشتار مردم در روز عاشورا پاک از دست داده بود، از ترفندی نخ نما شده برای تحریک احساسات دینی مردم استفاده کرد و به کمک صدا و سیما دولتی و بسیج همه نیروهای تحت فرمان کوشید صحنه قیام را وارونه کرده جنبش سبز را متهم به توهین به مقدسات و انکار اعتقادات دینی نماید و با آماج حمله قرار دادن رهبران و چهره های شاخص جنبش سبز و دستگیری احتمالی آنان، این حرکت را به گمان خود به کلی خاموش سازد.

پوشیده نیست که بخش های افراتی حاکمیت ایران به این دلیل به خونریزی و خشونت متوسل می شوند که خود را فاقد پایگاه وسیع اجتماعی و آینده امن می دانند. آنها می خواهند رویارویی نهایی و روز واقعه

روایت خود را از خواسته های بینه جنبش سبز مردم ایران در این مرحله به شرح ذیل اعلام می کنیم:

۱- استعفای آقای محمود احمدی نژاد و برگزاری مجدد انتخابات ریاست جمهوری تحت نظارت نهادهای بی طرف، لغو نظارت استصوابی، تشکیل کمیسیون مستقل انتخابات با شرکت نمایندگان مخالفان و معترضان به منظور تدوین ضوابط برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه.

۲- آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی و بررسی شکایات موارد مربوط به آزار، شکنجه و کشتار معترضان در ماه های اخیر در دادگاه های علنی با حضور هیأت منصفه و برخورداری از وکیل غیر تحمیلی؛ و جبران خسارات وارده به قربانیان سرکوب های اخیر و خانواده ی آنان.

۳- آزادی کلیه رسانه ها اعم از مطبوعات و رسانه های صوتی تصویری و مجازی، رفع سانسور و توقیف از کلیه ی نشریات توقیف شده، گسترش کانالهای تلویزیونی غیر دولتی و ماهواره ای، رفع فیلترینگ از اینترنت، امکان دسترسی آسان به رسانه های فوق الذکر، تصفیه رادیو و تلویزیون از دروغ پردازان و تشنج آفرینان.

۴- به رسمیت شناختن حق فعالیت قانونی احزاب سیاسی، جنبش دانشجویی و زنان، NGO ها و نهادهای مدنی، اتحادیه های مستقل کارگران و کارمندان، و حق تجمعات اعتراضی مسالمت آمیز مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی.

۵- استقلال دانشگاهها، سپردن امور دانشگاهها به شیوه دموکراتیک به دست دانشگاهیان، خروج نیروهای نظامی و شبه نظامی از دانشگاه ها و انحلال شورای غیر قانونی عالی انقلاب فرهنگی.

۶. محاکمه عاجل شکنجه گران، قاتلان، آمران و عاملان جنایات گذشته بویژه چند ماه اخیر.
 ۷. استقلال قوه قضائیه از طریق انتخابی کردن ریاست آن، انحلال دادگاههای ویژه غیر قانونی، تصفیه قوه قضائیه از قضات ناعادل و گوش بفرمان، برحذر داشتن مقامات قضائی از ایراد خطابه های سیاسی و اجرای منویات مقامات مافوق (دادگاههای فرمایشی) بجای اجرای بیطرفانه و عادلانه قانون.

۸. خروج نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی از قلمرو سیاست و اقتصاد و فرهنگ، و اکتفا به وظایف حرفه ای.

۹. رعایت استقلال اقتصادی و سیاسی حوزه های علمیه و دولتی نشدن روحانیت. استخدام نکردن تریبون نمازهای جمعه برای صدور

احکام خلاف شرع و قانون (از قبیل محاربه، مفسد فی الارض، مرتد و باغی).

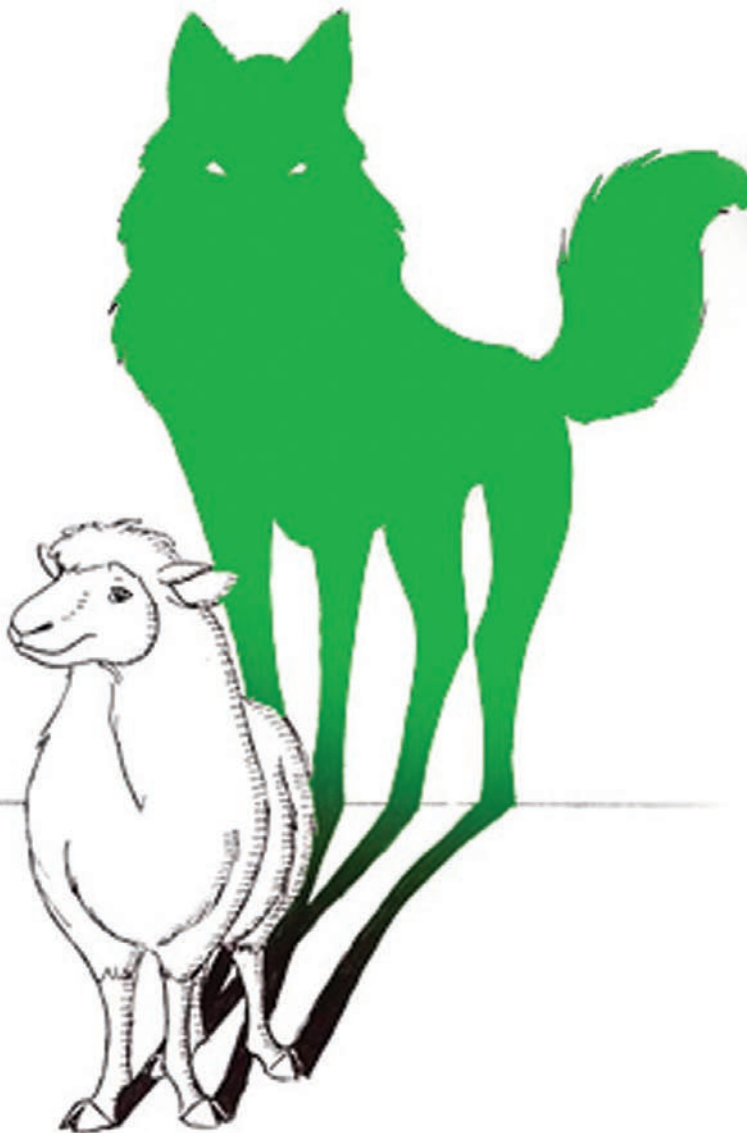
جنبش سبز ایران در لحظه ی حساس کنونی به طرح مطالبات مشخص و مقدور، طولانی کردن فرآیند اعتراض و جلب مشارکت گسترده اقشار متنوع جامعه در تعیین سر نوشت خود نیاز دارد.

۱۰. انتخابی کردن، نقدپذیر و پاسخگو کردن همه متصدیان رده اول کشور و محدود کردن دوره تصدی آنان.

نپذیرفتن این خواسته های بینه جنبش سبز، و افزودن سرکوب و ارباب نه تنها ما را از بحران عبور نخواهد داد، بلکه ایران را در بحران عمیق تری فرو خواهد برد، و تبعات سهمگینی از پی خواهد آورد، که مسئولیتش با صاحب ولایت مطلقه است.

سیزدهم دی ماه ۱۳۸۸، سوم ژانویه ۲۰۱۰
 عبدالعلی بازرگان، عبدالکریم سروش، اکبر گنجی، محسن کدیور، سید عطاء الله مهاجرانی

آنچه که از نظر گذشت، بیانیه ی اتاق فکر لندن نشینان جنبش سبز بود که با صدور آن اعلام موجودیت نمود.



معرفی شوایه های اتاق فکر



توانیه اول

عبدالکریم سروش چیست؟



سعی بسیار کرد که توصیه‌های حضرت امام را درباره مارکسیسم که گفته بود: «آثار آن‌ها را در فلسفه و خصوصاً در اقتصاد باید خواند» جدی بگیرد. در واقع از یک‌سو امام خمینی بودند که او را به نقد مارکسیسم فرامی خواندند و از سوی دیگر تأثیرات آشکار سروش از فلسفه علم و فلسفه سیاسی کارل پوپر سبب می‌شد به عنوان چیره‌دست‌ترین منتقد مسلمان مارکسیسم در ایران پس از ۱۳۵۷ جلوه‌گر شود. در این هنگام رژیم پهلوی سقوط کرده بود و مارکسیست‌ها مهم‌ترین رقیب مسلمانانی به شمار می‌آمدند که پس از انقلاب به رهبری امام خمینی نظام جمهوری اسلامی را پایه‌گذاری کرده بودند.

وی طی چند دور مباحثات ایدئولوژیک به همراه آیت الله مصباح یزدی در صدا و سیما به مباحثه با نمایندگان گروه‌های سیاسی چپ ایران مانند احسان طبری و فرخ نگهدار پرداخت. پس از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها با معرفی شهید بهشتی و تأیید حضرت امام (ره) به عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی در آمد.

سروش در مورد انقلاب فرهنگی گفته است: «آنچه که در سال ۱۳۵۸ در کشور رخ داد حقیقتاً نه انقلاب بود و نه فرهنگی.» وی این اتفاق را نزاعی میان جناح‌های مختلف در دانشگاه‌ها دانسته که هر کدام می‌خواستند دانشگاه را به نفع خود مصادره کنند که جناح نزدیک به قدرت و حکومت در این نزاع پیروز شد که نتیجه آن بسته شدن دانشگاه‌ها بوده است. به گفته سروش «دانشگاه‌ها قبل از بسته شدن، دانشگاه نبودند. اصلاً زمان، زمان انقلاب بود. کلاس درسی تشکیل نمی‌شد. هر روز تظاهرات بود. گروه‌های مختلف سیاسی و چریکی به دانشگاه آمده و بساط گسترده بودند.» در سال ۱۳۶۰ در گفتاری از وحشی و بی‌وطن بودن علم سخن گفت و بیان کرد «علم ایرانی و غربی یا اسلامی و مسیحی نداریم». سخنان او باعث شد که نشریه دانشگاه انقلاب و دانشجویان در نقد او مقاله نوشتند و منتشر کردند و از «علم انسانی-اسلامی» به دفاع برخاستند. همچنین سروش از انقلاب آموزشی سخن به میان می‌آورد و می‌گفت انقلاب‌ها به اراده و اختیار نیستند و از همین‌روی، انقلاب «می‌توان کرد» بلکه انقلاب

در سال‌های آخر رژیم ستمشاهی پهلوی بود که کتاب «تضاد دیالکتیکی» وی به تألیف در آمد. این کتاب حاشیه تحسین امیز مرتضی مطهری را در پی داشت و محمد علی رجایی پیرامون آن گفت: «کتاب تو در زندان به ما رسید و آبی بود که روی بسیاری از آتش‌ها ریخت و بچه‌های مسلمان را به سلاح تازه‌ای مسلح کرد.» این کتاب دستمایه‌ای علمی و آکادمیک برای مقابله با ادعاهای ماترالیست‌ها در زندان شد و جریان مباحثات اعتقادی را به نفع مذهب‌یون تغییر داد. سروش کتاب دیگری نیز با عنوان «نهاد نا آرام جهان» در باب نظریه حرکت جوهری ملاصدرا تألیف کرد که به پیشنهاد شهید مرتضی مطهری توسط رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) مطالعه و مورد تحسین و تأیید ایشان قرار گرفت. تحسین حضرت امام سروش را مسرور و مفتخر کرده بود. سروش در کتاب «قصه ارباب معرفت» زبان تحسین از امام خمینی می‌گشاید و می‌نویسد: «امام خمینی را پیش از شریعتی شناختم. وقتی دانش آموز دبیرستان بودم. پس از رهایی امام از زندان در خیل مشتاقان و هواداران بسیار او به حتم به خانه او رفتم و این نخستین بار بود که او را از نزدیک می‌دیدم. سالیان بعد در دوران دانشجویی کتاب مخفی حکومت اسلامی او را خواندم و در سلک مقلدان او در آمدم. در فرنگ او را بهتر و بیشتر شناختم.»

وی پس از بازگشت به ایران به هنگام پیروزی انقلاب اسلامی

عبدالکریم سروش در ۲۵ آذر ۱۳۲۴ شمسی (۱۶ دسامبر ۱۹۴۵ میلادی) در شهر تهران، میدان خراسان به دنیا آمد. پدرش کاسب بود. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان علوی گذراند و در این دبیرستان به واسطه دکتر روزبه با فلسفه و شخصیت‌های فلسفی-علمی همچون مرتضی مطهری، علامه طباطبایی، مهدی بازرگان، علی شریعتی و... آشنا شد. سروش به دلیل حضور در دبیرستان علوی، به نخله فکری مدرسه حجتیه راه یافت، اما بعد از یک سال به دلیل اینکه این نخله نتوانست پاسخگوی دغدغه‌هایش باشد، آن را رها کرد و به صورت تخصصی‌تر به تحقیق در قرآن و فلسفه اسلامی روی آورد. او سپس در دانشگاه تهران به تحصیل در رشته داروسازی پرداخت. وی در اوایل دهه ۵۰ شمسی عازم لندن شد و همراه با ادامه تحصیل در رشته شیمی تجزیه به مطالعه فلسفه غرب پرداخت، و به نمایندگی از آیت‌الله شهید بهشتی به فعالیت در مراکز اسلامی شیعیان در لندن از جمله مرکز «امام باره» (بعد از انقلاب توسط ایران خریداری شده و به کانون توحید تغییر نام داد) پرداخت. عبدالکریم سروش در هنگام اقامت در انگلستان در رشته کارشناسی ارشد شیمی تحلیلی در دانشگاه لندن و سپس کالج چلسی در تاریخ و فلسفه علم مطالعه کرد.